



## رابطه سبک‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران  
استاد گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، بلوچستان، ایران

قاسم محمدی سیف <sup>id</sup>

اسماعیل سعدی پور\* <sup>id</sup>

حسین جناآبادی <sup>id</sup>

sadipour808@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

فصلنامه علمی پژوهشی  
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷  
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۳ پیاپی ۱۷ | ۹۳-۱۰۴  
(مجموعه مقالات حوزه خانواده و فرزند)

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:  
درون متن:

(محمدی سیف و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

محمدی سیف، قاسم، سعدی پور، اسماعیل،  
و جناآبادی، حسین. (۱۴۰۲). رابطه سبک‌های  
فرزند پروری و سازگاری اجتماعی والدین در  
کودکان با اختلال یادگیری. *خانواده درمانی*  
کاربردی، ۴(۳)، ۹۳-۱۰۴.

چکیده

**هدف:** هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری می‌باشد. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر از لحاظ هدف جز پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ اجرا توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه والدینی هستند که دارای کودک با اختلال یادگیری می‌باشند. به‌منظور تعداد ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با توجه به ماهیت پژوهش، گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های اختلال یادگیری غلامی و دلاور (۱۴۰۰)، شیوه‌های فرزند پروری دینا بامریند (۱۹۷۳)، مقیاس سازگاری اجتماعی ویزمن ویی کل (۱۹۷۸) استفاده شد، در تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه با نرم‌افزار SPSS۲۰ مورد استفاده قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داده ضرایب همبستگی اسپیرمن در مؤلفه سبک‌های فرزند پروری ۳۵۲/ و سبک سهل‌انگاره ۰/۱۷۵، سبک استبدادی ۰/۱۸۷، سبک قاطع و اطمینان ۳۲۲/ و سطح معناداری ( $p \leq 0/005$ ) می‌باشد. بنابراین بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری رابطه مستقیم دارد. همچنین ضریب رگرسیون چندگانه بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری معادل ( $R^2=0/377$ ) می‌باشد. این مقدار نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که سبک‌های فرزند پروری توانسته‌اند حدود ۰/۳۷۷ درصد از واریانس تغییرات سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی کنند. **نتیجه‌گیری:** می‌توان نتیجه گرفت که بین سبک‌های یادگیری فرزند پروری و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و مراکز یادگیری و دیگر سازمان‌های مرتبط با اختلالات یادگیری می‌توانند در نوع آموزش این نوع از کودکان به سبک‌های فرزند پروری توجه بیشتر کنند تا زمینه آموزش بهتر آنان فراهم شود.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزند پروری، سازگاری اجتماعی، اختلال یادگیری.

## مقدمه

امروزه یادگیری را بنیادی‌ترین فرایندی می‌دانند که در نتیجه آن، موجودی ناتوان و درمانده در طی زمان و در تعامل و رشد جسمی به فردی تحول‌یافته می‌رسد که توانایی‌های شناختی و قدرت اندیشه‌ی او حد و مرزی نمی‌شناسد. تنوع بسیار زیاد و گسترش زمان یادگیری انسان که به وسعت طول عمر اوست، باعث شده است، علی‌رغم تفاوت‌های زیادی که در یادگیری باهم دارند، اما در روند عادی یادگیری و آموزش دچار مشکل شوند (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۲۰۱۴). در این میان کودکان بسیاری هستند که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی، قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است؛ هوش کم‌وبیش عادی دارند؛ به‌خوبی حرف می‌زنند و مانند سایر کودکان بازی می‌کنند؛ مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند؛ در خانه خود نیز خودپایاری‌های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آن‌ها می‌سپارند، به‌خوبی انجام می‌دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند؛ لیکن زمانی که به مدرسه می‌روند و می‌خواهند خواندن، نوشتن و حساب یاد بگیرند، دچار مشکلات جدی می‌شوند. این کودکان به‌تدریج درمی‌یابند که سایر کودکان از نظر وضع درسی بهتر از آن‌ها هستند و احساس حقارت را تجربه می‌کنند و کم‌کم بی‌زاری از درس و مدرسه در آن‌ها به وجود می‌آید. والدین آن‌ها که اغلب از دلایل ناتوانی یادگیری آن‌ها بی‌خبر هستند، مشکل را بیشتر می‌کنند و با فشارهایی که به کودک وارد می‌آورند، دشواری را چندبرابر می‌کنند (برسرتون، ۲۰۱۵). فردریچ (۲۰۰۰)، معتقد است که بعضی از خانواده‌های دارای کودک ناتوان، از نظر اجتماعی منزوی هستند و ممکن است در مقابل استرس پس از سانحه آسیب‌پذیرتر باشند. بدری و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند وجود یک فرزند دارای اختلال سبب محدودیت روابط اجتماعی خانواده می‌گردد و هر قدر شدت اختلال و ناتوانی فرزند بیشتر باشد، اوقات فراغت محدودتر و دامنه ارتباطات اجتماعی تنگ‌تر می‌شود. مونتگیو (۲۰۰۸) بیان می‌کند که تأثیر داشتن کودک ناتوان تنها روی والدین نیست؛ بلکه روابط بین فامیل را در بر می‌گیرد و باعث تغییر در روابط با فامیل می‌شود.

سازگاری اجتماعی<sup>۱</sup>، شامل سازگاری فرد با محیط اجتماعی خود است که این سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود یا محیط به دست آید. سازگاری هیجانی، سلامت روانی خوب، رضایت از زندگی شخصی و هماهنگی میان احساسات، فعالیت‌ها و افکار است. توانمندی و شایستگی اجتماعی و هیجانی از عوامل تأثیرگذار بر سازگاری عقلی می‌باشد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰). سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقش‌های خود و نحوه‌ی عملکرد در نقش‌هاست که به‌احتمال زیاد تحت‌تأثیر شخصیت قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارد (آمیدی، ۲۰۱۹) بنابراین تعداد قابل‌توجهی از خانواده‌ها در جامعه ایرانی از اثرات منفی داشتن یک کودک معلول و همچنین از بار مراقبتی بسیار زیاد، فشارهای روانی، اجتماعی و مالی ناشی از داشتن چنین کودکی رنج می‌برند، که این عوامل می‌توانند، ثبات خانوادگی را برهم بزنند و باعث برهم ریختگی سازمان خانواده شوند (ذکائی فر و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از عواملی که در میزان سازگاری خانواده‌ها نقش دارد، بافت خانواده است. با وجود چندین دهه پژوهش در اهمیت بافت اجتماعی به‌ویژه خانواده هنوز پژوهش‌های اندکی در زمینه شناسایی عوامل موثر بر سازگاری اجتماعی انجام شده است (پریرا، ۲۰۱۹). از جمله متغیرهایی که به بافت اجتماعی خانواده

مرتبط است که می‌تواند بر سازگاری اجتماعی خانواده نقش داشته باشد، سبک‌های فرزند پروری است. پژوهش‌گران اعتقاد دارند که سبک‌های فرزند پروری بر سلامت هیجانی تأثیر دارد سبک فرزند پروری بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهمی برای تحول و یادگیری کودکان به حساب می‌آید (حسینی نصاب، ۲۰۱۸). اعتقادات، نگرش‌ها، فعالیت‌ها، اقدامات والدین در قالب الگوهای خانوادگی یا سبک‌های فرزند پروری والدین، نمود پیدا می‌کند که والدین کدام یک از انواع سبک‌های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند، خود تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد و بسیاری این عوامل از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب ناشی می‌شود (رستمی و سعادت، ۲۰۱۸)؛ اما هدف همه سبک‌ها فرزند پروری شکل‌دهی به شخصیت روانی و تقویت شایستگی‌های کودک است (اگباریا، ۲۰۲۰). فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد (حدیدی و همکاران، ۱۳۹۸). در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (گارسیا، ۲۰۲۰).

بامریند (۱۹۹۱) روش‌های فرزندپروری را بر اساس تفاوت‌های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده است اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می‌رسد که همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اولیه را به عهده دارند (دوی و همکاران، ۲۰۱۸). هرچند که برای شناسایی عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی تلاش‌های نظری و تجربی زیادی صورت گرفته است، اما این تلاش‌ها کمتر متوجه شناسایی نقش نظام باورها، ارزش‌ها، سنن و آداب و رسوم و نگرش‌های افراد در سازگاری شخصی و اجتماعی آنان بوده است و اغلب متوجه جمعیت عمومی بوده‌اند تا اقشار به خصوصی از جامعه و به خصوص والدین دانش‌آموزان با اختلال یادگیری و این در حالی است که پژوهش‌های متعدد و مشاهدات مراکز مشاوره‌ای نشان داده است که عوامل متعدد نامساعدی مانند اضطراب، تنش، تشویش و عدم اعتماد به نفس سازگاری شخصی و اجتماعی در محیط خانواده، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و نه تنها موجب می‌شود که تعدادی از آن‌ها نتوانند به موقع دوره تحصیلی خود را به اتمام برسانند، بلکه موجب دگرگونی روحیه آنان می‌شود و نوعی نگرانی، ناپایداری هیجانی و حتی گاه پاره‌ای مشکلات عصبی روانی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند و سازگاری روان‌شناختی و اجتماعی آن‌ها را شدیداً به مخاطره می‌اندازد (سگوین، ۲۰۱۸؛ دریمان، ۲۰۱۸؛ تمنایی فرد، ۲۰۱۵).

در مورد موضوع حاضر برخی مطالعات انجام شده است. ذکایی فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که بین سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه و متغیر رشد اجتماعی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد، نظامی و آزموده (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که والدینی که در سبک تربیتی خود از طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، کمال‌گرایی و تنبیه بیشتر استفاده کرده بودند فرزندان با سازگاری اجتماعی پایین وضعیت داشتند. ابوالقاسمی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد افرادی که والدین خود را با اقتدار منطقی درک می‌کنند از سطح سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند و این سبک در مقابل دو سبک دیگر (استبدادی و سهل‌انگارانه) بدون شک باعث بالارفتن سازگاری اجتماعی در فرزندان می‌شود. اسماعیلی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند رشد اخلاقی با شیوه‌های آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. دل‌بستگی علاوه بر اثر

مستقیم بر رشد اخلاقی، به صورت غیرمستقیم در ارتباط بین سبک‌های فرزند پروری با رشد اخلاقی تأثیر معنی‌داری دارد. شمسی و همکاران (۱۳۹۹). پژوهشی را با عنوان بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان دبستانی. نشریه روان پرستاری انجام دادند نتایج این مطالعه نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه به دلیل اینکه بر پایه حفظ محدودیت‌ها همراه با اعتدال، تعامل و صمیمیت می‌باشد منجر به سطوح مناسبی از استقلال و ارتباط دوسویه کودک و والدین می‌شود. بدری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند مداخلات آموزشی مهارت‌های تنظیم هیجانی می‌تواند رویکرد درمانی مؤثری در جهت بهبود سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری ویژه باشد. نتایج پژوهش گارسیا (۲۰۲۰) نشان داد که استفاده از سبک فرزند پروری مستبدانه توسط مادران با افزایش اضطراب، گوشه‌گیری و پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی همراه است پیرا (۲۰۱۹) نشان داد که وقتی خانواده حامی و دلگرم‌کننده کودک باشند مشکلات رفتاری او کاهش می‌یابد. در پژوهشی که مروه در سال ۲۰۱۸ با عنوان سبک‌های فرزند پروری والدین به‌عنوان پیشگویی‌کننده رفتارهای اجتماعی کودکان پیش‌دبستان بر روی ۲۷۶ کودک در ترکیه انجام داد، به این نتیجه رسید که والدین با سبک تنبیهی و ملایم بهترین سبک‌ها برای پیشگویی رفتارهای اجتماعی مثبت یا منفی کودکان هستند و ماس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش به بررسی سازگاری روانی والدین در خانواده‌هایی پرداخت که کودک دچار اختلال داشتند. نتایج نشان داد که این کودکان در درازمدت بر سازگاری روانی والدینشان تأثیر می‌گذارند و پسرانی که دچار اختلال اند بیشتر روی مادران خود تأثیرگذارند تا پدرانشان. وجود یک کودک با اختلال یادگیری در خانواده می‌تواند عامل نگران‌کننده برای سازگاری اعضای خانواده محسوب شود و بررسی این امر ضرورت انجام این پژوهش را ایجاد می‌کند. این ضرورت، بخصوص با توجه به تفاوت‌های بارز فرهنگی در مناطق مختلف کشور و نیز اهمیت سبک‌های فرزند پروری در سلامت رفتاری و اجتماعی کودکان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، در مناطقی که مطالعات مرتبط با مسئله پژوهش در آن‌ها کمتر انجام شده است بیشتر احساس می‌شود. از این‌رو مسئله اساسی پژوهش حاضر این است: آیا بین سبک‌های فرزند پروری سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری هیجانی ارتباطی وجود دارد؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جز پژوهش کاربردی و از لحاظ اجرا توصیفی از نوع پژوهش همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی مادران ۳۰ تا ۵۵ ساله دارای کودک با اختلال یادگیری در مدارس ابتدایی تشکیل دادند که فرزندشان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ (ابتدایی) مدارس شهر قم مشغول به تحصیل بودند. از این رو با توجه به تعداد متغیرهای پیش بین در پژوهش حاضر تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن فرزند دارای اختلال رفتاری، وجودنداشتن هرگونه معلولیت حسی و جسمی و حرکتی یا داشتن مشکل هوشی در فرزندان، استفاده نکردن همزمان از درمان‌های روانشناختی یا درمان‌های دیگر، تمایل به شرکت در پژوهش، زندگی با همسر و فرزندان و اشتغال به تحصیل فرزند در دبستان‌های دولتی بود.

## ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری دیانا بامریند (۱۹۷۳). پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می‌کند. جمله‌های شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۱، ۶ به شیوه‌ی سهل گیرانه و جمله‌های شماره های ۲۹، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۱، ۲۵، ۲۶ به شیوه استبدادی و جمله های ۸، ۵، ۴، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ به شیوه قاطع واطمینان بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تاحدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می‌آید.

۲. پرسشنامه سازگاری اجتماعی ویزمن و پی کل (۱۹۷۸). این پرسشنامه توسط میرزمانی (۱۳۷۸) ترجمه و معرفی شده است. این مقیاس یک مصاحبه نیمه سازمان یافته است که سازگاری اجتماعی را در هفت نقش یا حوزه اصلی بررسی می‌کند. این نقش‌ها شامل: سازگاری در شغل، فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه، روابط خویشاوندی، روابط زناشویی، نقش والدینی، روابط خانوادگی و وضعیت اقتصادی می‌شوند.

**شیوه اجرا.** به منظور تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است. از جداول و نمودارهای فراوانی و در قسمت آمار استنباطی نیز، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن متغیرها بررسی می‌شوند. از تحلیل واریانس و معدلات ساختار و تحلیل مسیر با نرم‌افزار SPSS و PLS مورد استفاده قرار گرفت. سطح معنی‌داری آزمون ( $p < 0/05$ ) در نظر گرفته می‌شود.

## یافته‌ها

بر اساس نتایج آمار توصیفی، از مجموع ۱۵۰ نمونه آماری ۴۶/۶ (۷۰ نفر) ۳۰-۴۰ سال؛ ۴۳/۴ درصد (۶۵ نفر) ۴۱-۵۰ سال؛ ۱۰ درصد (۱۵ نفر) ۵۰ سال به بالا هستند. همچنین آمار ۲۰ درصد (۳۰ نفر) فوق‌دیپلم؛ ۵۰ درصد (۷۵ نفر) کارشناسی؛ ۲۶ درصد (۴۰ نفر) فوق‌لیسانس؛ ۴ درصد (۵ نفر) دکتری و بالاتر دارند.

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و توزیع عوامل

شاخص	مرکزی	پراکندگی		شکل توزیع		کولموگراف اسمیرنوف
		انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	
سبک فرزند پروری	۳،۱۹۷۵	۰،۴۳۴۷	۰،۱۸۹	۰،۷۷۴	۱،۵۹۴	۱/۷۴
سازگاری اجتماعی والدین	۳،۱۹۵	۰،۴۳۸۷	۰،۱۹۲	۰،۵۴	۲،۷۳۲	۱/۹۸

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که میانگین سبک فرزند پروری برابر با ۳/۱۹ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. برای اطمینان از طبیعی بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده و با توجه به نتایج جدول (۱) چون داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردار نبودند، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندمتغیره برای ارتباط و پیش‌بینی متغیرها استفاده گردید.

فرضیه اول: بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری رابطه مستقیم دارد.

جدول ۲. سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری

متغیر	سبک فرزند پروری	سهل‌گیرانه	استبدادی	قاطع و اطمینان
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۳۵۲	۰/۱۷۵	۰/۱۸۷	۰/۳۲۲
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۱۲۷	۰/۳۷۷	۰/۰۰۱
تعداد	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰

همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود با توجه به ضرایب همبستگی اسپیرمن در مؤلفه سبک‌های فرزند پروری ۳/۳۵۲ و سبک سهل‌گیرانه ۰/۱۷۵، سبک استبدادی ۰/۱۸۷، سبک قاطع و اطمینان ۰/۳۲۲؛ و سطح معناداری ( $P \leq 0/005$ ) فرض صفر رد و فرض پژوهش تایید می‌گردد؛ بنابراین بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری رابطه مستقیم دارد. فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزند پروری، قابلیت پیش‌بینی واریانس سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری را دارند.

جدول ۳. خلاصه نتایج رگرسیون

شاخص	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد برآورد
مقدار	۰/۵۲۶	۰/۳۷۷	۰/۳۵۹

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون چندگانه بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری معادل ( $R^2=0/377$ ) می‌باشد. این مقدار نشان دهنده‌ی این است که سبک‌های فرزند پروری توانسته‌اند حدود ۰/۳۷۷ درصد از واریانس تغییرات سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی کنند. در ادامه نیز نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج رگرسیون چندمتغیره

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	sig
اثر رگرسیونی	۱۳۱/۳۸۲	۲	۶۴/۸۱۱	۹۶/۲۳	۰/۰۰۱
باقیمانده	۸۸/۶۵۳	۷۲	۹۰/۳۷۶	-	-
جمع کل	۲۲۰/۰۳۵	۷۴	-	-	-

همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، باتوجه به مقدار ( $F=۲۶/۹۶$ ) و سطح معناداری ( $\leq ۰/۰۰۵$ ) می‌توان گفت مدل تبیینی بر اساس نتایج رگرسیونی معنادار است و به وسیله متغیرهای سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری پیش‌بینی می‌شود؛ بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵. آماره‌های متغیر وارده در مدل برازش رگرسیون سبک‌های فرزند پروری

نام متغیر	B	Std.B	Beta	T	sig
عرض از مبدا	۴۳/۶۵۵	۴/۸۹۸	-	۸/۱۹۶	۰/۰۰۱
سهل‌گیرانه	۱/۷۱۶	۰/۲۷۶	۲/۷۲۲	۶/۲۱۴	۰/۰۰۲
استبدادی	۰/۶۳۵	۰/۱۴۷	۱/۰۷۴	۴/۳۲۹	۰/۰۰۱
قاطع و اطمینان	۲/۵۱۸	۰/۳۹۴	۱/۹۶۷	۶/۳۹۶	۰/۰۰۲
مهارت اجتماعی	۱/۶۷۰	۰/۲۷۷	۲/۴۶۴	۶/۰۲۱	۰/۰۰۳

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که مقدار  $Beta=۰/۳۹۴$  است بنابراین بین سبک‌های فرزند پروری، سبک قاطع و اطمینان بیشترین تاثیر را در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری دارد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی والدین در کودکان با اختلال یادگیری بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی والدین رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با مطالعات پژوهش ابوالقاسمی (۱۳۹۴)، اسماعیلی و همکاران (۲۰۲۱)، ذکائی فر و همکاران (۱۳۹۹)، شمسی و همکاران (۱۳۹۹)، پریرا (۲۰۱۹) و ورماس و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین نتایج می‌توان گفت والدین به‌عنوان اولین عوامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان و ارضای نیازهای روانی آن‌ها دارند و سبک فرزند پروری آن‌ها انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کنند. تجربه روابط ایمن و پایدار با والدین و پرورش در فضایی آرام و منظم لازمه بهزیستی روانی و جامعه‌پذیری کودک است والدینی که دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش‌اند، در امر تربیت کودکان کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم و والدین سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌کنند (کلافت و همکاران، ۲۰۱۴). هر

کدام از شیوه‌های فرزند پروری پیامدهای متفاوت دارد؛ شیوه‌های فرزند پروری قاطع و اطمینان‌بخش در دوران کودکی، باعث می‌شود کودکان سرزنده، شاداب، دارای عزت‌نفس و خودکنترلی بالا باشند. همین شیوه باعث می‌شود که در دوره نوجوانی، آن‌ها سطح بالایی از جرئت و موفقیت را نشان دهند. شیوه فرزند پروری مستبدانه در دوران کودکی باعث می‌شود که کودک مضطرب، ناشاد و ناسازگار پرورش یابد. شیوه فرزند پروری سهل‌گیر نیز باعث می‌شود کودک تکانشی، نافرمان، سرکش و متوقع و وابسته تربیت شده، عملکرد ضعیفی در مدرسه از خود نشان دهد. سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود (رابوتیک - ساریک و سکیک، ۲۰۱۴). والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، باین‌حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند. والدینی که از سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می‌کنند. هر چند ممکن است این والدین باعاطفه باشند ولی شکست آن‌ها در نظم‌دهی به رفتار کودکانشان می‌تواند به سازگاری اجتماعی پایین کودک و نوجوان خود منجر شود، زیرا کودکان دارای اختلال در یادگیری شکل‌های مناسب خودنظم‌بخشی با شکست مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، سبک فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به‌صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند. آن‌ها درعین‌حال که بر رفتارهای کودکانشان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند (گارسیا و همکاران، ۲۰۱۸). این سبک فرزند پروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اتکا به خود بالاتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد. سبک فرزند پروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی دارد، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی - هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند از عزت‌نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی و کنجکاوی در آن‌ها زیاد است. کودکان چنین والدینی، دارای سطوح بالای شایستگی، پیشرفت تحصیلی، رشد اجتماعی و خود ادراکی هستند و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر نشان می‌دهند (بی و همکاران، ۲۰۱۸).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر باید اشاره کرد که نمونه آماری محدود به منطقه خاصی بود که ممکن است در مناطق دیگر این رابطه با نتایج دیگری روبه‌رو شود. همچنین پژوهش حاضر صرفاً با روش کمی انجام شد که روش کیفی نیز می‌تواند نتایج عمیق‌تری برای تکمیل روش کمی در اختیار بگذارد. نتایج این پژوهش برای مشاوران، مدارس و والدین اهمیت رابطه والد-نوجوان را برجسته می‌کند که بر این اساس مشاوران و مدارس باید جهت حل مشکلات تحصیلی نوجوانان اقدام به بررسی نوع اقتدار والدین توجه کنند و نیز تلاش‌هایی در جهت آموزش خانواده و افزایش مهارت‌های رابطه‌ای انجام دهند. همچنین والدین نیز می‌توانند با به کارگیری شیوه‌های تربیتی صحیح مبتنی بر افزایش سازگاری فرزندان، آینده تحصیلی آن‌ها را تضمین کنند. همچنین به مانند هر پژوهش دیگری، محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج حاصل به جوامع مختلف را از عمده محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد.



## موازن اخلاقی

در اجرای این پژوهش محقق سعی نمود تا ملاحظات اخلاقی از جمله رضایت داوطلبانه و عدم آسیب رساندن به مشارکت کنندگان رعایت شود.

## سپاسگزاری

بدین وسیله از همه دوستان و صاحب نظرانی که با نظرات ارزشمند خود به غنای مطالب پژوهش کمک نمودند تشکر می‌شود.

## مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان در تهیه همه مراحل این پژوهش نقش یکسانی داشتند.

## تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

## منابع

- بدری، رحیم، نعمتی، شهروز، و محسن نژاد، لیلا. (۱۳۹۹). بررسی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانی بر سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری ویژه. *مجله مطالعات ناتوانی*. ۱۰(۲۷): ۸-۱.
- حدیدی، سما، دانش، عصمت، و غلامی، مرضیه. (۱۳۹۸). آموزش گروهی فرزند پروری مثبت جهت تقویت خود اثربخشی مادران. *تعالی بالینی*، ۸(۴): ۲۸-۱۸.
- ذکائی فر، آرزو، و موسی‌زاده، توکل. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزند پروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستان ۵ و ۶ ساله. *پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی*، ۳۷(۷): ۱۴-۱.
- شمسی، مهدی، بحرینی، مسعود، روانی‌پور، مریم، و باقرزاده، راضیه. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان دبستانی. *نشریه روان پرستاری*. ۸(۵): ۱۱-۱.
- نظامی، لطیفه، و آزموه، معصومه. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس طرح‌واره‌های فرزند پروری و سبک‌های دل‌بستگی والد - فرزند در دختران نوجوان دانش‌آموز شهر تبریز. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۲(۴۳): ۱۴۵-۱۶۵.

## References

- Agbaria, Q. (2020). Predictors of personal and social adjustment among Israeli-Palestinian teenagers. *Child Indicators Research*, 1-17.
- Am... , . . . mmmlll t, A., Hrrrr t, , , & Cyr, C. ()))) ) Cii ld vittims ff sexual abuse: Teachers' evaluation of emotion regulation and social adaptation in school. *Psychology in the Schools*, 56(7), 1077-1088.
- Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W., & Deater-Deckard, K. (2018). Parenting styles and parent-adolescent relationships: The mediating roles of behavioral autonomy and parental authority. *Frontiers in psychology*, 9, 2187.
- Badri, R., Nemati, S., Mohsennejad, L. (2019). Investigating emotional regulation skills training on academic adjustment of students with special learning disorder. *Journal of Disability Studies*. 10(27): 1-8. (In Persian).

- Balzarotti, S., Biassoni, F., Villani, D., Prunas, A., & Velotti, P. (2016). Individual differences in cognitive emotion regulation: Implications for subjective and psychological well-being. *Journal of Happiness Studies*, 17(1), 125-143.
- Calafat, A., García, F., Juan, M., Becoña, E., & Fernández-Hermida, J. R. (2014). Which parenting style is more protective against adolescent substance use? Evidence within the European context. *Drug and alcohol dependence*, 138, 185-192.
- Dryman, M. T., & Heimberg, R. G. (2018). Emotion regulation in social anxiety and depression: A systematic review of expressive suppression and cognitive reappraisal. *Clinical Psychology Review*, 65, 17-42.
- Drr mlllll 1 ll lll i, N., & İmir, H. M. (2018). Parenting Styles as a Predictor of the Preschool Children's Social Behaviours. *Participatory educational research*, 5(2), 18-37.
- Farzadi F, Behroozi N, Shehni Yailagh M. [The causal relationship between parenting styles attachment styles and indiscipline mediated by the emotional self-regulating mediation, social skills and Theory of Mind (Persian)]. *Journal of Family Psychology*. 2017; 3(2):3- 16.
- García, O. F., Serra, E., Zacarés, J. J., & García, F. (2018). Parenting styles and short-and long-term socialization outcomes: A study among Spanish adolescents and older adults. *Psychosocial Intervention*, 27(3), 153-161.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2007). The cognitive emotion regulation questionnaire. *European Journal of Psychological Assessment*, 23(3), 141-149.
- Garcia F , Garcia E(2020). Is always Authoritative the Optimum Patimum Parenting Style? Evidence from Spanish Families. *Adolescence*. Roslyn Heights. 2020; 44(173): 101-13
- Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of personality and Social Psychology*, 85(2), 348.
- Hadidi, S., Danesh, I., Gholami, M. (2018). Positive parenting group training to strengthen mothers' self-efficacy. *Clinical Excellence*, 8(4): 18-28. (In Persian).
- Harley, J. M., Pekrun, R., Taxer, J. L., & Gross, J. J. (2019). Emotion regulation in achievement situations: An integrated model. *Educational Psychologist*, 54(2), 106–126.
- Nizami, L., Azmouda, M. (2018). Prediction of social adaptation based on parenting schemas and parent-child attachment styles in adolescent female students in Tabriz city. *Women and Family Studies*, 12(43): 145-165. (In Persian).
- Mensah K, Monica, K, A (2013). Influence of Parenting Styles on the Social Development of Children. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies* ISSN 2281 3993(Print) ISSN 2281-4612.
- Pereira A. F, Canavarro C, Cardoso M. F, Mendonça, D. Patterns of Parental Rearing Styles and Child Behaviour Problems among Portuguesen School-Aged Children. *Journal of Child and Family Studies*, 2019; 18(4): 454-465.
- Séguin, D. G., & MacDonald, B. (2018). The role of emotion regulation and temperament in the prediction of the quality of social relationships in early childhood. *Early child Development and Care*, 188(8), 1147-1163.
- Shamsi, M., Bahraini, M., Ravipour, M., Bagherzadeh, R. (2019). Investigating the relationship between mothers' parenting styles and social skills of primary school children. *Journal of Psychiatric Nursing*. 8(5): 1-11. (In Persian).

- Raboteg-Saric, Z., & Sakic, M. (2014). Relations of parenting styles and friendship quality to self-esteem, life satisfaction and happiness in adolescents. *Applied Research in Quality of Life*, 9, 749-765.
- Rostami, M., & Saadati, N. (2018). Role of maternal parenting styles in predicting oppositional defiant, behavior, conduct, mood, and separation anxiety disorders among students. *Journal of Research and Health*, 8(5), 418-424.
- Tamir, M., Vishkin, A., & Gutentag, T. (2020). Emotion regulation is motivated. *Emotion*, 20(1), 115-119
- Tamanaeefard MR, Lyth H. (2015). The Relationship between Emotional Intelligence, Self-efficacy and Social Support with Adjustment High School Students. *Journal of Modern Psychology*, 39(10): 25-52.
- Zakaifar, A., Musizadeh, T. (2019). The role of parents' parenting styles in predicting the social development of 5- and 6-year-old preschool children. *Social Psychological Research*, 37(7): 1-14. (In Persian).



## The relationship between parenting styles and parents' social adjustment in children with learning disabilities

Ghasem. Mohammadi<sup>1</sup>, Esmail. Saadipour<sup>2\*</sup> & Hossein. Jenaabadi<sup>3</sup>

### Abstract

**Aim:** The purpose of this study is to investigate the relationship between parenting styles and parents' social adjustment in children with learning disabilities. **Methods:** In terms of purpose, this research is an applied research and in terms of execution, it is a descriptive type of correlational research. The statistical population of the research is all parents who have children with learning disabilities. 150 people were selected as a statistical sample. According to the nature of the research, data collection was done using Gholami and Delavar's learning disorder questionnaires (2021), Diana Baumrind's parenting methods (1973), Weizmann and Pekel's social adjustment scale (1978). In the analysis of the research findings, correlation coefficients were used. And multiple regression was used with SPSS 20 software. **Results:** The results of the research showed that Spearman's correlation coefficients in the parenting styles component are 0.352, permissive style 0.175, autocratic style 0.187, assertiveness and ffff innnee .... 00 ddd iigii fiaanee lvll ( $p \leq .$ )))). Therefore, parenting styles have a direct relationship with parents' social adaptation in children with learning disabilities. Also, the multiple regression coefficient between parenting styles and parents' social adjustment in children with learning disabilities is equal to ( $R^2=0.377$ ). This value indicates the fact that parenting styles have been able to predict about 0.377% of the variance of social adjustment changes. **Conclusion:** It can be concluded that there is a relationship between parenting learning styles and social adaptation, and learning centers and other organizations related to learning disorders can pay more attention to parenting styles in the education of these types of children in order to provide them with a better education.

**Keywords:** parenting styles, social adaptation, learning disorder.

1. PhD student, Department of psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
2. **\*Corresponding author:** Profesor Department of Educational Psychology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran  
*Email:* sadipour808@gmail.com
3. Professor, Department of Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran